

## تصویر حافظ از دیدگاه نذرالاسلام (نজরুল ইসলামের দৃষ্টিতে হাফিজের চিত্র)

ড. মো. নূরে আলম\*

**প্রতিপাদ্যসার:** বাংলা ও ফারসি সাহিত্যের ইতিহাসে বাংলাদেশের জাতীয় কবি কাজী নজরুল ইসলাম এবং পারস্যের গজল সম্রাট হাফিজের চরিত্রের এক বিশেষ উজ্জ্বলতা বিদ্যমান। নজরুল ইসলাম, অত্যন্ত দূরদর্শিতা ও গভীর অন্তর্দৃষ্টি দিয়ে হাফিজকে বাংলাদেশে পরিচয় করিয়েছেন। সাহিত্য জগতে হাফিজকে তিনি পরামর্শদাতা হিসেবে গ্রহণ করেন। এ দুই বিখ্যাত কবির কবিতাগুলি নির্যাতিত, নিপীড়িত ও লাঞ্চিত বাঙালিদের ভাষায় রচিত হয়েছিল। তিনি হাফিজকে এমন সার্বজনীনভাবে তুলে ধরেন, যাতে করে বাংলার প্রতিটি মানুষ নিজ যোগ্যতা ও প্রতিভার আলোকে তাঁকে বোঝতে পারে এবং তাঁর দ্বারা উপকৃত হতে পারে। ছোটবেলা থেকেই তিনি হাফিজের ভাষার সাথে পরিচিত ছিলেন। ফারসি ছয়শত বছরের অধিক বাংলার রাজ ভাষা ছিল। সে দীর্ঘ সময়কালে, অসংখ্য ফারসি গ্রন্থ বাংলায় অনূদিত হয়েছিল এবং এ ভূখণ্ডের শত শত কবি ফারসি ভাষায় কাব্য রচনা করেছিলেন। বাংলাদেশ এবং উপমহাদেশের গ্রন্থাগারগুলোতে সে নিদর্শন এখনো বিদ্যমান। হাফিজ এবং নজরুলের পরিচয়, ইরান-বাংলাদেশের ধর্মীয়, সাংস্কৃতিক, সাহিত্যিক এবং প্রাচীন ভ্রাতৃত্ব সম্পর্ক, নজরুলের পরিবারে ফারসি চর্চা, হাফিজের কাব্যের সাথে নজরুলের পরিচয়, নজরুল অনূদিত হাফিজের সাহিত্যকর্ম, নজরুলের হৃদয়, আত্মা ও চেতনায় ফারসির প্রভাব এবং নজরুল ইসলামের দৃষ্টিতে হাফিজের প্রকৃত চিত্র তুলে ধরা এ প্রবন্ধের মূল লক্ষ্য ও উদ্দেশ্য।

**সূচক শব্দাবলি:** হাফিজ, নজরুল ইসলাম, চিত্র, ফারসি, কাব্য, প্রভাব

**چکیده:** چهره حافظ و قاضی نذرالاسلام شاعر ملی بنگلادش در تاریخ ادبیات بنگلا و فارسی درخششی ویژه دارد. نذرالاسلام با همت بلند و بینش عمیق حافظ را در بنگلادش معرفی کرد. وی حافظ را به عنوان مرشد خویش انتخاب نمود. اشعار این دو شاعر نامدار از زبان بنگالی‌های رسوا و مظلوم بود. وی حافظ را با کلام خویش زبان خاص و عام گردید که هر کسی به فراخور استعداد و حرف خود، از آن بهره می برد. وی با زبان حافظ از زمان کودکی آشنا شد. زیرا که بیش از ششصد ساله فارسی زبان رسمی بنگال بوده است. در آن مدت طولانی کتاب‌های فراوان فارسی به زبان بنگلا ترجمه شده، صدها تن از شعرای این سرزمین به زبان فارسی شعر سرودند، نمونه‌های این آثار گرانبها به صورت کتب یا نسخه خطی در کتابخانه‌های مختلف بنگلادش و شبه‌قاره وجود دارد. ایران و بنگلادش روابط دیرینه بود. جایگاه ویژه‌ای در روابط فرهنگی، دینی و عقاید مشترک، احساسات و عواطف صمیمانه نسبت به یکدیگر، نزدیک باهم فرهنگ و ادبیات ارتباطات گسترده دولتی و مردمی، مشترک مواضع اسلامی، همه پیوند عمیق برادری و همبستگی بین این دو کشور بود. بدین طریق از نسل به نسل تأثیر فارسی در خانوادگی نذرالاسلام رسیده بود. آشنایی نذرالاسلام با شعر حافظ، مطالعه و ترجمه آن، به کارگیری اوزان، الفاظ و مضامین و مفاهیم آن اشعار، شعر خویش را به فضای والا می‌رسد و اندیشه‌های آن شاعر بزرگ فارسی بر دل و جان

\* সহযোগী অধ্যাপক, ফারসি ভাষা ও সাহিত্য বিভাগ, চট্টগ্রাম বিশ্ববিদ্যালয়।

نذراالاسلام تأثیر کرد. نذراالاسلام پرتوی عشق حافظ را در اندیشه خویش استفاده کرد و حلقه‌های از دست رفته یک سلسله را جستجو می‌کرد، و گذشته و حال را بین این دو زبان و دو ملت پیوند ساخت. در این مقاله بعد از خلاصه معرفی حافظ و نذراالاسلام مورد تصویر حافظ در دیدگاه نذراالاسلام بحث شده است.

### کلید واژه: حافظ، نذراالاسلام، ادبیات، رباعیات حافظ، دیوان حافظ

شمس الدین محمد، متخلص به «حافظ» و مشهور به «خواجۀ حافظ» و «خواجۀ شیراز» یکی از چند تن نابغه اندک شمار تاریخ ادبیات جهان است. شاعری که در روز و روزگار خویش، آوازه شهرت خویش را به گوشه و کنار جهان افکند و قند پارسی خود را به «بنگاله» روانه دید. (کاسب، ۲۱۷) شمس الدین محمد حافظ که لقبش لسان الغیب است، در اوایل قرن هشتم شاید در حدود سال ۷۲۶ هجری در شیراز تولد یافت. اسم پدرش بهاء الدین بود که در زمان سلطنت اتابکان سلغری فارس از اصفهان به شیراز مهاجرت نمود و مادرش ظاهراً اهل کازرون بود. (شفق، ۳۲۸) در مورد حافظ ارتور جان آربری گفت:

شمس الدین محمد حافظ احتمالاً در سال ۱۳۲۶ در شیراز به دنیا آمد. پدرش بهاء الدین (یا کمال الدین) از اصفهان به شیراز مهاجرت کرد. پدر حافظ در کودکی درگذشت. از آن زمان مادر حافظ سرپرستی او را بر عهده گرفت. از اساتید او، قیام الدین عبدالله (متوفی ۱۳۷۰) بود. (آربری، ۳۳۰)

بعد از مرگ بهاء الدین، پدر حافظ، پسرانش پراکنده شدند و شمس الدین محمد که خرد سال بود با مادر در شیراز ماند و روزگار آن دو به تهیدستی می‌گذشت. به همین سبب حافظ مثل قاضی نذراالاسلام در نخستین سال‌های نوجوانی در نانوایی محله به کار مشغول شد تا اینکه عشق به تحصیل، او را به مکتب‌خانه کشانید. (مهبود فاضی، ۱۰۸) وی تحصیل علوم و کمالات را در زادگاه خود کرد و مجالس در درس علما و فضایی بزرگ در زمان خود که یکی از آنها قوام الدین عبد الله باشد درک نمود و در علوم به مقامی والا رسید. وی قرآن مجید را زیاد مطالعه می‌کرد و آن را حفظ داشت. حافظ خودش گفت:

ندیدم خوشتر از شعر تو حافظ به قرانی که تو سینه داری

(حافظ شیرازی، ۲۹۸)

حافظ بر همه معارف قرآنی و عوامل و وسائط شاعری احاطه داشته و همه آموزشها لازم هنری و ادبی را پشت سر گذاشته بوده است. (یاحقی، ۱۰۱) وی برخلاف مولانا، که پیوسته غزل‌های خویش را مطالعه و بازبینی کرد، مجموعه‌ای که پس از مرگ وی، به وسیله یکی از یاران همدرس او «محمد گلندام» گردآوری شد و مقدمه این یار مدرسه، بر آغاز دیوان او هست. وی در اوایل جوانی قرآن را با قرائت‌های مختلف آن آموخته بود و از آن تفسیر آن نیز شوقی تمام داشت و بیشتر اوقات خود را به مطالعه کتاب‌های تفسیر می‌گذرانید. (مهبود فاضلی، ۱۰۸) حافظ در دوران خودش در میان اهالی بنگال و کشمیر، سمرقند، مصر، چین و روم در میان علاقه‌مندان فراوانی داشت. این نکته در ادبیات حافظ هم آمده است. اطلاع محدودی که از زندگی حافظ داریم، وی زن و فرزندان داشت. درباره عشق او به دختری - نامش شاخ نبات - افسانه‌هایی رایج است. درباره این شاخ نبات قاضی نذراالاسلام یک شعر بزرگ

تصویر حافظ از دیدگاه نذراالاسلام  
(নজরুল ইসলামের দৃষ্টিতে হাফিজের চিত্র)

به زبان بنگلا نوشت. وفات حافظ به سال ۷۹۱ هجری در شیراز اتفاق افتاد و در همان قسمت شهر که شاعر از گردش و تماشای آنجا در خوش داشت و مصلی نام دارد به خاک سپرده شد. (شفق، ۳۳۲)

قاضی نذراالاسلام یک نابغه بی نظیر در آسمان ادبیات بنگلا بود که در ۲۴ ماه می ۱۸۹۹م در روستای چرولیا در استان «بوردمان» بنگلای غربی چشم به جهان گشود. اسم پدرش قاضی فقیر احمد و اسم مادرش زاهده خاتون بود. وی مثل حافظ، در زمان کودکی پدرش را هم از دست داد. آموزش اولیه را در مکتب (مدرسه اطفال برای آموزش دینی) روستای خود فرا گرفت. وی در زمان دانش آموزی در دبیرستان اشعار مختلف با الفاظ فارسی و عربی می نوشت و در مراسم و مناسبت های گوناگون می خواند و نظرات معلمان و دوستان خود به جذب می نمود. در سال ۱۹۱۰م از مکتب فارغ التحصیل شد و به عنوان خادم مزار (مرقد یکی از صوفی ها) و مؤذن مسجد مشغول به کار شد. در سال ۱۹۱۷م زمانی که دانش آموز کلاس دهم بود، در سپاه بنگالی به عنوان سرباز ثبت نام کرد. در سال ۱۹۲۶م «بلبل» اولین پسر نذراالاسلام تولد یافت.

ویژگی قاضی نذراالاسلام یک عاشق زنده و جاوید ضربه خورده و رنج کشیده، یک مرد عزلت گزیده از روزگار، چشم هایی دارد ساده و زیبا، مانند کودکان، موهایی بلند داشت مانند شیر، صدای بلندش مانند رعد. در ادبیات بنگلا او فقط پیام نوین را تلقین نکرد، بلکه یک شخصیت جدید ادبیاتی نیز بنیانگذاری کرده و در شکوفائی احساس خودی ملت مسلمان شبه قاره، نقش شاعر ملی را ایفا نموده است. (گزیده احوال و آثار قاضی نذراالاسلام، ۶۸) وی هندویان و مسلمانان را با برادری زندگی کردن تأکید می کرد. او به عنوان شاعر ملی بنگلادش شهرت گرفت. رفیق الاسلام پژوهشگر مشهور بنگلادش گفت: قاضی نذراالاسلام در قلب میلیون ها بنگلادشی به عنوان شاعر ملی آنها زندگی می کردند و در سال ۱۹۲۰م ظهور از عقب ماندگی کلی مسلمانان بنگلا بودند. وی حس اعتماد به نفس لازم را به جامعه تزریق کرد. تقریباً به تنهایی باعث رنسانس در میان مسلمانان بنگالی شد و آنها را به سمت مدرنیته سوق داد. نابغه نذرول به غیر ممکن ها دست یافت و ملت بنگال تا ابد مدیون اوست. بنگلادش با تکریم قاضی نذراالاسلام با شهروندی جمهوری خلق بنگلادش، خود را گرامی داشت. (رفیق الاسلام، ۲۵) حافظ و نذراالاسلام جوان، شجاع، وارسته و محبوب همه هستند. نذراالاسلام همه چیز را برای وطن و ملت از دست داد. با وجود اینکه او مدت ها در زندان بود، بسیاری از کتاب هایش توسط دولت توقیف شد. او از ناموس مسلمانان در جهان ادب پاسداری می کرد. (گزیده احوال و آثار قاضی نذراالاسلام، ۲۶) وی در ۲۹ آگوست ۱۹۷۶م روز یکشنبه ساعت ده و ده دقیقه صبح در بیمارستان پی جی داکا از دنیا رفت.

**تصویر حافظ از دیدگاه نذراالاسلام**

نذراالاسلام اولین درس فارسی را پیش معلم مکتب مذکور بنام «فضل احمد» خوانده بود. یکی از عموهایش به نام «بذل احمد» در زبان های فارسی و عربی ماهر بود و در زبان بنگلا با الفاظ فارسی و عربی اشعار می نوشت. بی تردید همه اینها در افکار، اندیشه و نظرات نذراالاسلام تأثیر زیادی گذاشته بود. زندگی نذراالاسلام مثل حافظ همواره غم قرین و با رنج و درد نا امنی و بی ثباتی متلاطم بود. هر دو شاعر در زمان کودکی در مغازه نانوايي کار کرده بودند.

نذراالاسلام در سال ۱۸۱۷م دانش آموز کلاس دهم در آزمون دیپلم بود. همزمان امواج جنگ انگلیس و آلمان به سواحل بنگلا رسید. صدایی از بنگلا برای تشکیل سپاه بنگالی به گوش می‌رسد. پس از آن نیروی مستقلی به نام « بنگالی پلتن» تشکیل شد. در اواسط سال ۱۹۱۷م نذراالاسلام لباس نظامی پوشید و با قطار از کلکته به لاهور رفت و از آنجا عازم «نوشه» شد. او سه ماه را در آنجا آموزش نظامی می‌گذراند و زندگی واقعی یک سرباز را در «کراچی» آغاز می‌کند. آغاز دوران سربازی او را می‌توان آغاز کار شعری و ادبی و آشنایی با ادبیات فارسی دانست. کار سربازی برای وی فرصت کسب علوم و نویسندگی و تجربیات را فراهم ساخت. خصوصاً درهای معارف جهان و عرفان و ادبیات فارسی برای وی گسترده شد. درباره این نذراالاسلام خودش در مقدمه ترجمه رباعیات حافظ می‌نویسد:

از مدرسه فرار کردم و به جنگ رفتم. این گفتگو در سال ۱۹۱۷م بود. در آنجا با شعر حافظ ملاقات شد. ارتش بنگالی ما یک عالم دینی و روحانی پنجابی داشت. وی روزی اشعاری از دیوان حافظ را خواند. پس از شنیدن آن شعر؛ چنان متحیر و مجذوب شدم که از همان روز زبان فارسی را نزد آن روحانی پنجابی شروع کردم و تقریباً تمام اشعار شاعران فارسی‌گو را خواندم. (نذراالاسلام؛ ج ۲، ۱۶)

نذراالاسلام بعد از پایان یافتن جنگ جهانی اول از کراچی به کلکته برگشت و در دفتر «انجمن ادبی مسلمانان بنگالی» ساکن شد. تاریخ نگاران ادبی نوشتند که در آن زمان از جمله آثایه‌هایی که نذراالاسلام همراه داشت، نسخه ترجمه شد دیوان حافظ بود. (گزیده احوال و آثار قاضی نذراالاسلام، ۲۷)

قاضی نذراالاسلام شاعر شورشگر بنگالی رباعیات ☆ حافظ را به تعداد ۷۳ از فارسی برگزیده و ترجمه کرده است. ناشر غلام دستگیر محمودار در سال ۱۳۶۹ بنگالی از کلکته منتشر کرد. تعداد صفحات ۸۵ است. شاعران دیگر بنگالی هم رباعیات حافظ را ترجمه نموده‌اند ولی ترجمه قاضی نذراالاسلام بهتر از همه است. نذراالاسلام با حافظ شباهت ذهنی داشت. هر دو شاعر عشق، دارای تفکر آزاد بودند و به محدودیت‌های مذهبی زیاد اعتنا نمی‌کردند. بدین دلیل روحانیون حافظ و قاضی نذراالاسلام را کافر پنداشتند. هر دو به خدا ایمان داشته و شاعری انسان دوست بودند. آنها ملحد نبود و به رستاخیز هم اعتقاد داشتند، مسلمان کامل بودند. ولی فقط در زمینه کردار، به آزاد انسان معتقد بودند.

زندگی نذراالاسلام همیشه با رنج و غم و بیماری و زندان و حبس خانگی در راه بود. مثل پسر حافظ، نذراالاسلام به نام بلبل پسری داشت. او خیلی مریض شد. وی در قلب پدر جان و روح و سرور تازه بخشید. نذراالاسلام بر بالین پسرش بلبل بود که ترجمه رباعیات حافظ را شروع کرد. وقتی که ترجمه رباعیات حافظ تمام شد، پسرش در سن چهار سالگی از دنیا رفت. نذراالاسلام در این مورد نوشت:

روزی که ترجمه رباعیات حافظ تمام شد، بلبل، جگرباره ام، ناپدید شد. کسی را که عزیزترین و بهترین سرمایه عمرم بود به عنوان هدیه به شاعر بلبل شیراز به بنگلادش دعوت کردم. شاهنشاه شاعر ایران به دعوت سلطان غیاث الدین، حاکم بنگال، اعتنایی نکرد، اما دعوت من را نادیده

تصویر حافظ از دیدگاه نذراالاسلام  
(নজরুল ইসলামের দৃষ্টিতে হাফিজের চিত্র)

نگرفت. از محل تشییع پیکر پسر، دوستم و شاعر محبوبم ایرانی حافظ به خانه ام آمدند و اشک در چشمانم و زیر پایم ریختند. (نذراالاسلام، ج ۲، ۱۷)  
نذراالاسلام حافظ و ایران را چقدر دوست داشت؛ در مقدمه ترجمه رباعیان حافظ به خطاب پسرش بلبل آن نشان می‌آید. وی گفت:

پسر بلبل! در دوران حیات تو، ترجمه رباعیات بلبل شیراز را شروع کردم. روزی که ترجمه را به تمام رساندم، آنروز تو ای بلبل باغ من پریدی، آیا در آن سرزمینی که رفته ای، باغ بلبلان زیباتر از ایران است؟ (نذراالاسلام، ج ۲، ۱۵)

رباعی در سه مصرع اول دوم و چهارم هم قافیه است و در مصرع سوم قافیه ندارد. نذراالاسلام نیز همان شیوه پیروی نمود. دیگر مترجمان این کار را نکردند. بدین وسیله رباعیات حافظ به زبان بنگالی شهرت زیادی دارد. قاضی نذراالاسلام در مقدمه ترجمه رباعیات و بعضی دیگر از اشعار حافظ است به این شعر حافظ شیرازی اشاره نمود که:

برسر تربت ما چون گذری همت خواه      به زیارتگه رندان جهان خواهد شد.

(حافظ شیرازی، ۱۱۹)

امروز مزار حافظ زیارتگاه اهل دل شده و مردم از هر جا به زیارت قبر او می‌رود. در کنار مسجد مرکز دانشگاه داکا مزار قاضی نذراالاسلام هم از جاهای مختلف برای زیارت تشریف می‌آورند.

قاضی نذراالاسلام بیش از سه هزار سرود موزون نوشته و آهنگ آنرا خودش نواخته، بدین سبب برخی از محققان او را مثل حافظ «شاعر بلبل» نامیده‌اند. حافظ به عنوان «بلبل شیراز» و نذراالاسلام به عنوان «بلبل بنگال» شهرت گرفتند. ویژگی‌های حافظ و نذراالاسلام زیاد است و در تاریخ زندگی حافظ و نذراالاسلام یک رابطه دارد، در زمان کودکی حافظ و نذراالاسلام پدرشان از دنیا رفتند، اسم پسر حافظ و نذراالاسلام «بلبل» بود. هر دو «بلبل» در زمان کودکی چشم از جهان بستند. حافظ بعد از درگذشت پسرش «بلبل» با درد دل یک مقطع به عنوان «مرگ فرزند» نوشته بود. نذراالاسلام هم بعد از درگذشت پسر خودش «بلبل» با درد دل مقطع حافظ را ترجمه کرد و احساسات درد دل خودش را اظهار نمود. مقدمه ترجمه رباعیات حافظ نذراالاسلام آن مقطع را ذکر کرده بودند. مقطع حافظ:

دلا دیدی که آن فرزانه فرزند      چه دید اندر خم این طاق رنگین  
به جای لوح سیمین در کنارش      فلک بر سر نهادش لوح سنگین

(حافظ شیرازی، ۳۳۱)

بعد از درگذشت پسرش بلبل، زندگی نذراالاسلام تغییرشده بود. در تاریخ ۵ آوریل ۱۹۴۱م به عنوان ریاست جلسه وی گفت:

اگر نی دیگر بصدا نیاید مرا نه به عنوان شاعر بلکه به عنوان کسی که محبت شما را دریافته است، میگویم- مرا ببخشید، مرا فراموش کنید. باور کنید، من برای شاعر شدن نیامدم، نیامدم که

رهبر شوم. آمده بودم تا عشق را نثار کنم. برای یافتن عشق آمده بودم. چون آن عشق را نیافتم از این دنیای بی عشق با سکوت خویش برای همیشه خدا حافظی میکنم. (نذرالاسلام، ج ۳، ۲۷۱)

شمس الدین محمد حافظ مولانای والا، دانشمند فاضل، معدن اسرار معرفت و مخزن علوم الهی، عنایت و مغفرت خداوند بود. مولانا عبد الرحمن جامی حافظ را لسان الغیب و ترجمان الاسرار نامیده است. دیوان حافظ در جهان مشهور است. حافظ و نذرالاسلام ارتباطات روحانی داشت. نذرالاسلام ۸ غزل ☆ از دیوان حافظ ترجمه کرد و آنها را به عنوان «دیوان حافظ» نامیده شد. شاعران دیگران مثلاً شاعر هندو «بهایی گریش چندرو شن» برای اولین بار دیوان حافظ را به نثر ترجمه نمود. شاعران دیگر همچون «شوتیندرونات دتو»، «محیتلال مجومدار»، «جوتیندرونات باغچی»، «دکتر محمد شهیدالله» و «قاضی اکرم حسین» غزلیات حافظ را ترجمه نمودند. شاعر «کریشنوچندرو مجومدار» ترجمه غزلیات حافظ با آزاد ترجمه نمود. نذرالاسلام ۸ غزل دیگر را ترجمه کرد و عنوان آنها را نغمه‌های دیوان حافظ گذاشت. دکتر محمد شهید الله ۶۰ غزل را ترجمه کرد و هر غزلی نیز جداگانه عنوان گذاشت و آنها را دیوان حافظ نامید. آقای «شوبه‌اش مُخوپدای» ۵۰ غزل را ترجمه کرد و هر غزل را عنوان داد و عنوان کتاب «حافظر کابیتا» یعنی شعر حافظ نامید. آخر آن کتاب به زبان بنگالی تلفظ فارسی همان ۵۰ غزل را ذکر کرد.

آقای «مه‌ارشی دیندرونات تاگور» پدر بزرگوار شاعر «رابیندرونات تاگور» که مبلغ داوطلب مکتب جامعه برهمان بود. وی حافظ دیوان حافظ بود. ایشان در نوشته‌ها، نامه‌ها و صحبت‌های مرتب از ابیات دیوان حافظ استفاده می‌کرد. (چکروبارتی، ۷۱۶)

ترجمه رباعیات حافظ و دیوان حافظ توسط نذرالاسلام بر همان وزن اصلی شعر حافظ بود. به طوری که خوانند از لطافت و شیرین وزن محروم نمی‌شود. برای نمونه ترجمه یک بیت مشهور حافظ:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل مارا  
بخال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را  
(حافظ شیرازی، ۴)

نذرالاسلام شعر بالا را ترجمه کرد:

جدی کانتا شیراز شذنی فرات دی مور چورای دل فر  
سمرقند ار بخارای دی بدل تر لال گالیر تیلتر

(نذرالاسلام، ج ۲، ۵۴۴)

قاضی نذرالاسلام غزل حافظ «مطرب خوشنوا بگو تازه به تازه نو به نو» (دیوان حافظ) نغمه «ارونتون نتون ترو، شونای گیتی گانه والا» را تنظیم این نغمه براساس «راگ ماند» سروده شده است. این سرود و اشعاری که از غزل حافظ گرفته، جذاب و دل انگیز است. و از آن اندیشه عشق جاوید الهی به همراه عشق مجازی و انسانی در دل‌های خواننده و شنونده همچون سراینده شعر تجلی می‌شود.

نذرالاسلام در مقدمه ترجمه رباعیات حافظ دعوت حافظ توسط سلطان غیاث الدین اعظم شاه را ذکر نمود. در دوران حکومت سلطان غیاث الدین اعظم شاه (۱۳۹۰م-۱۴۰۹م) سوزن‌گون به صورت مرکز مجمع شعرا، نویسندگان و فقها درآمد. در آن زمان اشعار و نثر فارسی و همراه آن فرهنگ اسلامی بسیار گسترش پیدا کرد. آن زمان را دوران

تصویر حافظ از دیدگاه نذراالاسلام  
(নজরুল ইসলামের দৃষ্টিতে হাফিজের চিত্র)

طلایی ادبیات فارسی در بنگالا بود. سلطان غیاث الدین با یک سطر غزل شاعر بزرگ عرفانی ایران حافظ را به بنگال دعوت نمود. حافظ یک غزل کامل در پاسخ به دعوت سلطان غیاث الدین اعظم شاه برای مسافرت به بنگال سروده بود که مطلع آن بر چنین است:

|                                   |                                   |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| ساقی حدیث سرو و گل و لاله می‌رود  | بین بحث با ثلاثه غسله می‌رود      |
| می‌ده که نو عروس چمن حد حسن یافت  | کار این زمان ز صنعت دلالت می‌رود  |
| شکر شکن شوند همه طوطیان هند       | زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود |
| طی مکان ببین و زمان در سلوک شعر   | کاین طفل یک شبه ره صد ساله می‌رود |
| آن چشم آهوانه عابد فریب بین       | کش کاروان سحر ز دنباله می‌رود     |
| خوی کرده میخرامد و بر عارض سمن    | از شرم روی او عرق ژاله می‌رود     |
| از ره مرو به عشوه دنیا که این عجز | مکاره می‌نشیند و محتاله می‌رود    |
| باد بهار می‌وزد از گلستان شاه     | و از ژاله باده در قدح لاله می‌رود |
| حافظ ز شوق مجلس سلطان غیاث دین    | غافل مشو که کار تو از ناله می‌رود |

(حافظ شیرازی، ۱۲۹)

حافظ و نذراالاسلام شاعری دنیای نو نبودند. متأسفانه اکثریت مردمان جهان آنان را شاعر دنیوی احساس می‌کردند، هنرمندان اشعار آنان را در قالب عکسهای زیر مجسم می‌کنند. آنان معنی اصلی شعر این دو شاعران را درک نکردند و معنی ظاهری را گرفتند. نذراالاسلام حافظ را به عنوان شاعر عرفانی با مردمان بنگالی آشنا ساخت. اصلاً در میان آثار حافظ و نذراالاسلام یک انرژی خدایی وجود دارد که هم نشانه‌های دنیایی و هم نشان‌های مجازی دارد.

**سخن آخر:** از مباحث فوق می‌توان نتیجه گرفت که حافظ و نذراالاسلام در ردیف بزرگترین شاعران تمام دوران قرار دارند. آنها در اندیشه و بیان عالی هستند. غزلیات رنگارنگ آنها را پادشاه بی‌چون و چرای قلمرو غزل می‌خواند، به دست آورد. حافظ در بنگلادش همیشه به واسطه قاضی نذراالاسلام زنده خواهد ماند. در منطقه بنگال کسی نیست که حافظ را نشناسد. غزل حافظ آن قدر مشهور است که به صورت «ضرب المثل» در بیان و کلام مردم این منطقه سار و جاری است. حافظ و نذراالاسلام با مکتب عشق بپا خاسته‌اند. غربی‌ها عشق را طور دیگری تفسیر می‌کنند. بنابراین در ترجمه آثار دچار گمراهی می‌شوند. نذراالاسلام عشق حقیقی حافظ را فهمیده بود، وی هم همان عشق را در آثار خود متجلی ساخته است. پژوهشگران مهم بلکه هیچ کس از غیر فارسی زبانان نتوانستند مثل قاضی نذراالاسلام حافظ را درک کنند.

**حاشیه:**

☆ رباعی: رباعی یکی از قالبهای کوتاه شعر فارسی است که از چهار مصراع (دو بیت) ساخته شده است. در رباعی، قافیه در مصراعهای اول، دوم و چهارم تکرار می‌شود. این قالب یکی از پرکاربردترین قالبهای شعر فارسی است.

وزن رباعی غالباً «مستفعّلن، مستفعّلن، مستفعّلن فع» یا بر وزن «لا حول و لا قوّة الا بالله» است. این قالب شعری در دیوان نخستین شاعران زبان فارسی تا امروز دیده می شود. (نیکوبخت، ۲۹)

☆ غزل: غزل از نظر واژگانی، به معنی عشق بازی، حدیث عشق و عاشقی کردن، سخن گفتن عاشقانه با زنان است. اما در اصطلاح شعری، به یکی از قالبهای ادب غنایی گفته می شود که ابیات آن بر یک وزن و قافیه و با مطلع مصرع است. تعداد ابیات غزل بین پنج تا دوازده بیت است، ولی گاه غزلهای بیست بیت نیز وجود دارد. (نیکوبخت، ۴۵)

### منبع و مأخذ

- شفق، دکتر رضا زاده. *تاریخ ادبیات ایران*. انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۱.
- کاسب، استاد عزیز الله. *زندگی نامه شاعران ایران*. انتشارات گلی، ۱۳۸۱.
- مهبود فاضلی. *آشنایی با شاعران کلاسیک ایران*. انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۸۰.
- یاحقی، دکتر محمد جعفر. *کلیات تاریخ ادبیات فارسی*. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۹.
- *گزیده احوال و آثار قاضی نذراالاسلام*. (به کوشش علی اورسجی). راینی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴.
- نذراالاسلام، قاضی. *کلیات نذراالاسلام*. آکادمی بنگلا، جلد دوم، چاپ سوم، ۱۹۹۳.
- نذراالاسلام، قاضی. *کلیات نذراالاسلام*. آکادمی بنگلا، جلد سوم، چاپ سوم، ۱۹۹۳.
- حافظ شیرازی، خواجه شمس الدین محمد. *دیوان حافظ*. انتشارات نوین، چاپ هنر، ۱۳۶۲.
- نیکوبخت، دکتر ناصر. *تحلیل شعر فارسی*. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، ۱۳۸۹.
- چکروبرتی، اوجیت کومر. *عالیجناب دیبندرونات تاگور*. چاپخانه هند، ۱۹۱۶.
- اربری، آرتور جون. *ادبیات کلاسیک فارسی*. انتشارات آلن و انوین، خیلابان موزه، ۱۹۵۸.
- تنویر احمد. *تاریخ کوتاه ادبیات فارسی*. انتشارات انبار کتاب ناز، ۱۹۹۱.
- رفیق الاسلام. *قاضی نذراالاسلام، شاعر شورشی*. انتشارات مؤسسه نذرول، ۲۰۱۱.